

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۰، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۶

نقش صنایع روستایی در توزیع بهینه درآمد: مطالعه موردی بخش مرکزی شهرستان مشهد

حمید شایان، حکمت شاهی اردبیلی*

چکیده

فقر روستایی و توزیع نابرابر درآمدها یکی از معضلات جوامع روستایی است که بیشتر از نظام توزیع نادرست عوامل تولید ناشی می‌شود. استقرار صنعت در روستا از طریق ایجاد اشتغال پایدار و درآمد، می‌تواند موجب کاهش شکاف درآمدی شود. این نوشتار از طریق مطالعه موردی در بخش مرکزی شهرستان مشهد، و مقایسه میانگین درآمد شاغلان بخش صنعت با سایر بخش‌ها، نقش صنایع روستایی را در توزیع درآمد بررسی کرده است. مطالعات انجام شده روی ۳۰۱ خانوار روستایی ساکن روستاهای نمونه نشان می‌دهد که بخش صنعت با ایجاد فرصت‌های شغلی، موجب تولید درآمد برای اقشار فرودست روستایی شده است. همچنین نتایج حاصل از آزمون t و ضرایب جینی درآمد شاغلان صنعتی و غیرصنعتی (۰/۳۶ و ۰/۴۱)

* به ترتیب استادیار گروه جغرافیا و دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد

نشان از بهبود توزیع درآمد در میان شاغلان واحدهای صنعتی دارد. آزمون ویلکاکسون نیز ثابت کرده است که میزان رضایت از درآمد در بین شاغلان واحدهای صنعتی در حال حاضر



نسبت به گذشته افزایش یافته است. مقایسه میزان رضایت از درآمد شاغلان واحدهای صنعتی و غیر صنعتی تفاوت معناداری را نشان می‌دهد.

کلید واژه‌ها: صنایع روستایی / نابرابری / جوامع روستایی / مطالعه موردی / مشهد (شهرستان).

* * *

مقدمه

پس از چندین دهه تلاش برای توسعه روستایی، هنوز فقر و توزیع نابرابر درآمد در نواحی روستایی از معضلات اساسی به شمار می‌رود که خود زمینه اصلی مهاجرت‌های روستا-شهری را فراهم کرده است (گایها، ۱۳۷۸: ۱).

توزیع عمومی درآمدها به ساختار اقتصادی و به طور مشخص به توزیع نیروی کار در بخش‌های متفاوت مربوط می‌شود (لوکایون، ۱۳۷۳: ۶۶). در کشورهای رو به توسعه اختلاف درآمد، مهم‌ترین عامل گسترش نابرابری و دوگانگی ساختار اقتصاد روستایی است که به طور کلی، به نظام توزیع زمین بر می‌گردد. دسترسی به زمین، دسترسی به کار و درآمد حاصل از آن را تعیین می‌کند. براساس این دیدگاه می‌باید خط تمایزی بین جمعیت کشاورز به لحاظ اقتصادی فعال و کشاورزان خرده پا و کارگران کشاورزی و نیز آن دسته از جوانانی کشید که نیروی کار مازاد (بیکار) محسوب می‌شوند (Farbman, 1975:11-16). اینان همان فقرای روستایی هستند که نیاز به چاره‌اندیشی مؤثر در زمینه کسب شغل و درآمد دارند. زیرا از یک سو بخش قابل توجهی از آنان که امکان جذب در بخش کشاورزی را ندارند مجبور به مهاجرت از روستا می‌شوند (Sing, 1993:39) و از سوی دیگر روستاییان باقی‌مانده در روستاها و کشاورزان تهی‌دست برای غلبه بر فقر با اهداف کوتاه‌مدت و برای رفع نیازهای کوتاه‌مدت، در شرایطی که ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی آنان اهمیت چندانی به حفظ محیط زیست نمی‌دهد، اقدام به تخریب محیط زیست می‌کنند (Lele, 1991:619) و این تخریب محیط موجب فقر بیشتر کسانی می‌شود که برای بقای خود مستقیماً به محیط طبیعی

وابسته‌اند (Chambers, 1997:29). بنابراین، بدیهی است که حفظ کیفیت محیط و توسعه اقتصادی به هم مربوط است و این دو در دراز مدت متقابلاً همدیگر را تقویت می‌کنند، به عبارت دیگر نیل به توسعه پایدار به درک ارتباط علت و معلولی بین فقر روستایی و تخریب محیط زیست بستگی دارد (Harrington, 1995:50).

از آنجا که سطح اشتغال و درآمد مهم‌ترین نمود و عمده‌ترین شاخص رفاه اجتماعی در هر جامعه است (بنی فاطمه، ۱۳۷۶:۵۱) و کارشناسان بر رابطه مستقیم بین طبقات درآمدی و اشتغال تاکید دارند (فطرس، ۱۳۷۰:۴۰)، بنابراین تأمین شغل در جوامع روستایی مهم‌ترین وسیله برای توزیع درآمد است (محبوب الحق، ۱۳۷۰:۳۵)، به ویژه اینکه بخش کشاورزی به دلیل پایین بودن بهره‌وری زمین و نیروی کار و غیره به تنهایی راه‌حل نهایی مشکل بیکاری یا کم اشتغالی نیست.

راهبرد صنعتی‌سازی روستایی، به عنوان فرآیندی که ابزارهای مناسب برای متنوع‌سازی اقتصاد روستایی فراهم می‌آورد، رویکردی اقتصادی است که با ایجاد اشتغال و افزایش درآمد و توزیع متعادل تر درآمد، منجر به بهبود سطح زندگی روستاییان و بالتبع زمینه نیل به توسعه پایدار روستایی را فراهم می‌آورد (Lee, 2001:3). نظریه صنعتی شدن مناطق روستایی، شتاب دهنده‌ای برای ایجاد اشتغال پایدار و آخرین چاره کار برای حل مشکل فقر مناطق روستایی محسوب می‌شود که هم‌اینک بخشی بالقوه برای حل مشکل بیکاری و عاملی تسکین دهنده برای مناطق محروم روستایی است (طاهرخانی، ۱۳۷۹:۱۱). گروهی از محققان سخت براین اعتقادند که صنعتی شدن روستا با تأکید بر صنایع کوچک پیامدهای ارزشمندی در سایر کشورها داشته است (طاهرخانی، ۱۳۸۰:۳۴). ناحیه روستایی بخش مرکزی شهرستان مشهد، جزئی از جامعه روستایی کشور است که به دلیل ناپایداری شرایط اکولوژیک از جمله خشکسالی‌های دوره‌ای و پیامدهای ناشی از آن همچون کمبود منابع آب، کمبود اراضی کشاورزی، عدم امکان افزایش سطح زیر کشت و...، باضعف بنیان‌های کشاورزی مواجه بوده که قادر به تأمین شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی مناسب برای توسعه روستایی

نیست، لذا این مقاله در پی پاسخ‌گویی به این سوال است: آیا اشتغال در صنایع کوچک گامی برای توزیع بهینه درآمد در سطح جامعه روستایی بخش مرکزی شهرستان مشهد است؟

بررسی‌های موردی درباره‌ی پیامدهای استقرار صنعت در مناطق روستایی، به خوبی این واقعیت را نشان می‌دهد که اشتغال‌زایی بخش غیر کشاورزی را می‌توان راهبرد مناسبی برای اشتغال روستایی دانست و در این میان صنایع روستایی برای راهکار اشتغال‌زایی و افزایش درآمد روستاییان، نسبت به سایر فعالیت‌های غیر کشاورزی مفیدتر است (Lanjouw, 1997:248). صنایع کوچک روستایی به لحاظ توانایی بالایی که در جذب نیروی کار دارند (به علت کاربرد بودن این صنایع)، منابع عمده‌ای برای کسب درآمد هستند که منجر به کاهش شکاف درآمدی در سطح روستاها می‌گردد، این بخش می‌تواند برای گروه‌های کم زمین یا فاقد زمین که درآمد کشاورزی پاسخ‌گوی نیازهایشان نیست، به ویژه در دوران رکود کشاورزی (یعنی زمانی که تقاضا برای نیروی کار نسبت به فصل کاری کمتر است) ایجاد اشتغال و درآمد نماید. بی‌تردید، اشتغال‌زایی این بخش از خروج نیروی کار از روستاها که عامل اصلی رشد لجام‌گسیخته حاشیه شهرها و مشکلات عدیده اقتصادی - اجتماعی است، جلوگیری می‌کند (Skinner, 2003:267).

در ایران، تحقیقات سودمندی در زمینه نقش صنعتی‌سازی روستاها در توسعه اقتصادی و اجتماعی روستاها از سوی محققانی همچون طاهرخانی (۱۳۶۹)، مطیعی لنگرودی (۱۳۷۹)، رحیمی (۱۳۸۳) و دربان آستانه (۱۳۸۴) انجام گرفته است. در این تحقیقات به منظور سنجش آثار و پیامدهای صنعتی‌سازی روستاها، میزان تغییر شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی در نزد شاغلان بخش صنعت با استفاده از طرح پانل در دوره قبل و بعد از اشتغال بررسی شده‌اند. تحقیق حاضر سعی دارد برای پی بردن به نقش صنایع کوچک روستایی در توزیع درآمد روستاییان، متوسط درآمد شاغلان صنعتی را با سایر فعالیت‌ها (غیر صنعتی) به صورت مقایسه‌ای مورد آزمون قرار دهد.

با عنایت به سؤال تحقیق و با مروری بر ادبیات توسعه روستایی این فرض عنوان می‌شود: *بین اشتغال در واحدهای صنعتی و بهبود توزیع درآمد در ناحیه روستایی بخش مرکزی شهرستان مشهد رابطه معناداری وجود دارد.*

روش تحقیق و جامعه آماری

پژوهش حاضر از نوع مطالعات کاربردی است که از روش‌های تحقیق توصیفی - تحلیلی و نیز روش‌های آماری برای تجزیه و تحلیل اطلاعات استفاده شده است. مطالعات میدانی با استفاده از روش پیمایشی در روستاهای نمونه، صورت گرفته و در نهایت اطلاعات جمع‌آوری شده با استفاده از نرم افزار آماری SPSS تجزیه و تحلیل شده‌اند.

جامعه آماری محدوده مورد مطالعه، ناحیه روستایی بخش مرکزی شهرستان مشهد است. این بخش طبق آخرین تقسیمات سیاسی، با وسعت ۳۲۷۷/۳۱ کیلومتر مربع مشتمل بر ۶ دهستان و ۳۷۹ آبادی مسکونی و جمعیتی در حدود ۱۹۱،۲۶۲ نفر (۵۶/۲ درصد از جمعیت روستایی کل شهرستان) است (مرکز بهداشت و درمان شهرستان مشهد، ۱۳۸۴). جامعه آماری شامل جمعیت ساکن در ۱۹۱ روستای دارای جمعیت ۲۰ خانوار و بیشتر در بخش مرکزی شهرستان مشهد است که برای انتخاب حجم نمونه ابتدا روستاها به دوگروه دارای صنایع و فاقد صنایع تقسیم و سپس ۲۰ درصد از هرگروه (مجموعاً ۳۸ پارچه) انتخاب شدند.

در مرحله بعدی برای انتخاب خانوارهای نمونه، کلیه روستاها با توجه به طبقه‌ای که در آن قرار داشتند، کدبندی و با استفاده از نرم افزار mini-tab ۳۸ روستا به شیوه کاملاً تصادفی انتخاب شدند؛ بدین ترتیب حجم کل خانوارهای انتخابی ۲۴۳۸۱ به دست آمد که با استفاده از فرمول زیر، تعداد ۳۰۱ خانوار برای مطالعه انتخاب شدند، از این تعداد به روش تخصیص متناسب ۲۲۵ خانوار از شاغلان در بخش صنعت و ۷۶ خانوار از شاغلان در سایر بخش‌ها، تعیین گردیدند.

حجم نمونه با استفاده از فرمول زیر تعیین شده است (عمیدی، ۱۳۸۱: ۷۸)

$$\hat{n}_0 = \frac{s^* t^*}{d^*} \Rightarrow \hat{n} = \frac{\hat{n}_0}{1 + \frac{\hat{n}_0}{N}}$$

که در آن

\hat{n}_0 = برآورد حجم نمونه،

s = انحراف معیار متغیر مورد نظر (۱/۷۸ با استفاده از پرسشنامه‌های مرحله پیش‌آزمون)،

t = اشتباه استاندارد (۱/۹۶)،

d = کران خطا (۰/۱۵)،

N = حجم جامعه (۲۴۳۸۱)، و

\hat{n} = برآورد حجم نهایی نمونه

یافته‌های تحقیق

طبق اطلاعات به دست آمده از ۲۲۵ پرسشنامه خانوار شاغل در بخش صنعت، حدود ۷۲/۹ درصد از سرپرستان خانوار (۱۶۴ خانوار) کارگر واحدهای صنعتی اند و مابقی، در مجموع ۲۷/۱ درصد (۶۱ خانوار) سرپرست کارگاه هستند (جدول ۱).

جدول ۱- توزیع شاغلان صنعتی نمونه به تفکیک نوع فعالیت

ردیف	فعالیت صنعتی	فراوانی	درصد
۱	کارگری	۱۶۴	۷۲/۹
۲	قالی بافی	۲۳	۱۰/۲
۳	جاروبافی	۷	۳/۲
۴	پشم شویی	۳	۱/۳
۵	رنگرزی	۲	۰/۹
۶	خیاطی	۳	۱/۳
۷	برش سنگ	۳	۱/۳
۸	کابینت سازی	۸	۳/۶
۹	آهنگری و جوشکاری	۵	۲/۲
۱۰	نجاری و چوب‌بری	۲	۰/۹
۱۱	نانوایی	۵	۲/۲
	جمع کل	۲۲۵	۱۰۰

مأخذ: تحقیقات میدانی، ۱۳۸۵

جدول ۲ نمایانگر آن است که ۷۶ خانوار به فعالیت‌های غیر صنعتی مشغول‌اند، ۶۸/۴ درصد در فعالیت‌های کشاورزی و ۲۶/۳ درصد در بخش خدمات و ۵/۳ درصد نیز فعالیت مشخصی ندارند.

جدول ۲- توزیع شاغلان غیر صنعتی به تفکیک نوع فعالیت

نوع فعالیت	کشاورزی			خدمات			سایر
	زراعت	دامداری	باغداری	کارگری	کارمندی	خرده فروشی	
فراوانی	۲۲	۸	۷	۱۵	۶	۱۰	۴
درصد	۲۸/۹	۱۰/۵	۹/۳	۱۹/۷	۷/۹	۱۳/۱	۵/۳
جمع	۵۲			۲۰			۴
درصد	۶۸/۴			۲۶/۳			۵/۳

مأخذ: تحقیقات میدانی، ۱۳۸۵

نتایج حاصله از تحقیقات میدانی نشان می‌دهد که در گذشته شاغلان بخش صنعت خانوارهای روستایی فاقد زمین و کم درآمد بوده‌اند، که پس از استقرار واحدهای صنعتی در روستاهای نمونه و یا روستاهای مجاور، به کار مشغول شده‌اند (جدول ۳).

جدول ۳- توزیع شاغلان صنعتی به تفکیک نوع فعالیت در گذشته

ردیف	فعالیت قبلی	تعداد	درصد
۱	بیکار (جویای کار)	۱۴۴	۶۴
۲	کارگر کشاورزی (بیکار فصلی)	۴۳	۱۹/۱
۳	کشاورز کم زمین	۲۱	۹/۴
۴	اجاره کار	۱۲	۵/۳
۵	بدون جواب	۵	۲/۲
	جمع	۲۲۵	۱۰۰

مأخذ: تحقیقات میدانی، ۱۳۸۵

نقش صنایع روستایی در توزیع درآمد

در این نوشتار از روش‌های مختلفی برای نشان دادن ابعاد گوناگون نقش صنایع در چگونگی توزیع درآمد میان خانوارهای روستایی بخش مرکزی شهرستان مشهد استفاده شده است؛ همچون مقایسه میانگین درآمدها، ضریب جینی و سنجش سطح رضایت‌مندی از درآمد.

ضریب جینی^(۱) از رایج‌ترین شیوه‌های سنجش توزیع درآمد است که بین صفر و یک قرار دارد و هرچه این شاخص به صفر نزدیک‌تر باشد، توزیع درآمد عادلانه‌تر و به برابری کامل نزدیک‌تر است و برعکس. این ضریب نسبت سطح بین منحنی لورنز^(۲) و خط توزیع با نصف مساحت مربع مربوطه است (Samuelson and Nordhaus, 2001:386-389). بدین ترتیب از آنجایی که تابع منحنی لورنز $f(x)$ است، ضریب جینی به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$G = \frac{0.5 - \int_0^1 f(x) dx}{0.5} = 1 - 2 \int_0^1 f(x) dx$$

ضریب جینی بر اساس دهک‌های توزیع درآمد خانوارهای روستایی این تحقیق محاسبه گردید. همچنین سه گروه عمده درآمدی، یعنی ۴۰ درصد خانوارهای کم درآمد، ۴۰ درصد خانوارهای متوسط و ۲۰ درصد خانوارهای پر درآمد و ثروتمند با یکدیگر مقایسه شده‌اند (جدول ۴).

جدول ۴- ضریب جینی و سهم سه گروه عمده درآمدی
به تفکیک نوع فعالیت

نوع فعالیت	صنعتی	غیر صنعتی
ضریب جینی	۰/۳۵۹۷۸	۰/۴۰۸۶
گروههای درآمد	۴۰٪ کم درآمد (دهک اول تا چهارم)	۲۳/۲۸۸
	۴۰٪ متوسط (دهک پنجم تا هشتم)	۴۳/۱۹۸
	۲۰٪ پر درآمد (دهک نهم تا دهم)	۳۳/۵۳
اختلاف درون طبقاتی	کم درآمد	۲/۴
	متوسط	۱/۶
	پر درآمد	۱/۱

مأخذ: یافته‌های تحقیق

همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود، خانوارهای شاغل در بخش صنعت با ضریب جینی ۰/۳۶ از وضعیت توزیع درآمد مطلوب‌تری نسبت به سایرین برخوردارند. از لحاظ اختلاف درون طبقاتی نیز ملاحظه می‌گردد که طبقه کم درآمد (۴۰٪) در بین فعالان غیرصنعتی دارای بیشترین اختلاف است و به نظر می‌رسد که به طور نسبی طبقه متوسط و پر درآمد از طبقه کم درآمد همگن‌تر است (البته شاغلان بخش صنعت همگنی بیشتری را نشان می‌دهند).

به منظور تبیین این وضعیت از آزمون t برای مقایسه متوسط درآمد ماهانه خانوارهای صنعتی و غیرصنعتی استفاده شد. جدول ۵ توزیع فراوانی درآمد ماهانه خانوارهای روستایی را بر حسب اشتغال در بخش صنعت و سایر بخش‌ها نشان می‌دهد.

جدول ۵ - توزیع متوسط درآمد ماهانه خانوارهای نمونه
به تفکیک نوع فعالیت

ردیف	درآمد ماهانه (هزار ریال)	صنعتی		غیر صنعتی	
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
۱	۵۰۰-۱۵۰۰	۲۶	۱۱/۶	۱۸	۲۳/۷
۲	۱۵۰۱-۲۵۰۰	۱۲۶	۵۶	۳۴	۴۴/۷
۳	۲۵۰۱-۳۵۰۰	۴۷	۲۰/۹	۱۷	۲۲/۴
۴	۳۵۰۱-۴۵۰۰	۹	۴	۴	۵/۳
۵	بیش از ۴۵۰۰	۱۷	۷/۵	۳	۳/۹
	جمع	۲۲۵	۱۰۰	۷۶	۱۰۰

مأخذ: تحقیقات میدانی، ۱۳۸۵

همچنان که در جدول فوق آمده است، تنها ۱۱/۶ درصد از فعالان بخش صنعت درآمد بین ۵۰ تا ۱۵۰ هزار تومان دریافت می‌دارند و متوسط درآمد مابقی بیش از ۱۵۰ هزار تومان است. این رقم برای فعالان بخش غیر صنعتی ۲۳/۷ درصد است. در جدول ۶ میانگین درآمد ماهانه خانوارهای فعال در بخش صنعت را با غیر صنعتی مقایسه شده است.

جدول ۶- مقایسه میانگین متوسط درآمد ماهانه خانوارهای صنعتی و غیر صنعتی
(ارقام به تومان)

نوع فعالیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	میانگین خطای معیار
صنعتی	۲۲۵	۲۵۰۸۲۵/۵۶	۹۷۰۲۲/۸۰۷	۶۴۶۸/۱۸۷
غیر صنعتی	۷۶	۲۳۴۷۹۶/۰۵	۱۱۳۲۳۱/۳۳۲	۱۲۹۸۸/۵۲۵

مأخذ: یافته‌های تحقیق

متوسط درآمد ماهانه خانوارهای صنعتی و غیر صنعتی به ترتیب ۲۵۰۸ هزار ریال و ۲۳۴۸ هزار ریال است که تفاوت اندکی را نشان می‌دهد. در آزمون لیون^(۳) که برای سنجش همگنی واریانس‌ها استفاده می‌شود، سطح معناداری آماری فیشر از ۰/۰۵ کمتر است، لذا فرضیه برابری واریانس‌ها رد می‌شود. بنابراین برای تحلیل دقیق‌تر آزمون t از ردیف دوم جدول (با عدم فرض برابری واریانس‌ها) استفاده شده است (جدول ۷).

جدول ۷ - آزمون معناداری تفاوت متوسط درآمد ماهانه خانوارها
بر حسب فعالیت صنعتی و غیرصنعتی

درآمد (تومان)	آزمون لیون		آزمون t						
	F	Sig.	t	df	معناداری (دامنه)	تفاوت میانگین	تفاوت خطای معیار	۹۵٪ فاصله اطمینان تفاوت	
								پایین	بالا
با فرض برابری واریانس‌ها	۴/۳۱	۰/۰۳۹	۱/۱۹۲	۲۹۹	۰/۲۳۴	۱۶۰۲۹/۵۰	۱۳۴۴۴/۱۵۳	-۱۰۴۲۷/۶	۴۲۴۸۶/۶۵
با عدم فرض برابری واریانس‌ها			۱/۱۰۵	۱۱۴/۴۵	۰/۲۷۲	۱۶۰۲۹/۵۰	۱۴۵۰۹/۹۶۹	-۱۲۷۱۳/۴	۴۴۷۷۲/۴۱

مأخذ: یافته‌های تحقیق

همچنان که در جدول ۷ ملاحظه می‌شود، سطح معنی‌داری آزمون برابر با ۰/۲۷۲ و بیشتر از ۰/۰۵ درصد است، بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد، دلیلی بر رد فرضیه H_0 نداریم، بدین معنا که تفاوت معناداری بین متوسط درآمد خانوارهای شاغل در بخش صنعت و سایر مشاغل وجود ندارد.

ایجاد شغل و متعاقب آن رضایت شغلی و ثبات درآمدی از پیامدهای مهم صنعتی شدن روستاست، لذا سطح رضایت‌مندی از درآمد از جمله شاخص‌های موثر برای

شناسایی تأثیر صنایع روستایی بر توزیع درآمد است. به همین دلیل در این قسمت سطح رضایت مندی شاغلان واحدهای صنعتی در دوره قبل و بعد از اشتغال در بخش صنعت ارزیابی می‌شود (جدول ۸).

جدول ۸- میزان رضایت از درآمد شاغلان واحدهای صنعتی

در دو دوره قبل و بعد از اشتغال

دوره	سطح					
	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	
قبل از اشتغال	تعداد	۱۳۶	۶۸	۱۹	۱	
	درصد	۶۰/۵	۳۰/۲	۸/۵	۰/۴	۰/۴
بعد از اشتغال	تعداد	۴	۶۲	۱۱۳	۴۲	۴
	درصد	۱/۸	۲۷/۵	۵۰/۲	۱۸/۷	۱/۸

مأخذ: تحقیقات میدانی، ۱۳۸۵

اطلاعات به دست آمده نشان از افزایش سطح رضایت مندی شاغلان واحدهای صنعتی دارد. به این منظور از آزمون ویلکاکسون^(۴) برای سنجش میزان رضایت از درآمد در دوره قبل و بعد از اشتغال استفاده شده است. نتایج حاصله حکایت از تغییرات معنادار برای افزایش سطح رضایت مندی شاغلان صنعتی در دوره بعد از اشتغال دارد (جدول ۹).

جدول ۹- آزمون معناداری تفاوت رضایت از درآمد در دو دوره قبل و بعد از اشتغال

معناداری مجانبی (۲ دامنه)	Z	جمع رتبه‌ها	میانگین رتبه	تعداد	
۰/۰۰۰۰۱	-۱۲/۳۲۹	۱۳۶/۵	۴۵/۵	۳	رتبه‌های منفی
		۱۹۵۶۴/۵	۱۰۰/۳۳	۱۹۵	رتبه‌های مثبت
				۲۷	رتبه‌های برابر

معناداری تفاوت در سطح ۰/۰۱

از سوی دیگر بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که سطح رضایت‌مندی از درآمد شاغلان واحدهای صنعتی نه تنها نسبت به گذشته، بلکه نسبت به شاغلان غیر صنعتی هم از سطح بالاتری برخوردار است (جدول ۱۰).

جدول ۱۰- مقایسه میزان رضایت از درآمد خانوارهای روستایی نمونه

به تفکیک نوع فعالیت

فعالیت	سطح		کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
	تعداد	درصد				
صنعتی	۴	۱/۸	۶۲	۱۱۳	۴۲	۴
	۱۸	۲۳/۷	۲۰	۳۰	۷	۱
غیرصنعتی	۲۳/۷	۲۳/۷	۲۶/۳	۳۹/۵	۹/۲	۱/۳
	۱۸	۲۳/۷	۲۰	۳۰	۷	۱

مأخذ: تحقیقات میدانی، ۱۳۸۵

برای پی بردن به وجود رابطه بین میزان رضایت از درآمد و نوع فعالیت، از آزمون کی دو پیرسون^(۵) استفاده شده است که مقدار آن ۴۱/۹۰۸ و سطح معنی‌داری آزمون کمتر از ۰/۰۱ درصد محاسبه شد، بنابراین با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت که میزان رضایت از درآمد به نوع فعالیت اقتصادی وابسته است.

برای تحلیل همبستگی بین متغیرها نیز از ضریب همبستگی تائوی کندال بی^(۶) استفاده شد، که مقدار آن ۰/۲۲۱- و سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۱ درصد بوده است، لذا با اطمینان ۹۹ درصد اشتغال در فعالیتهای صنعتی تأثیر معناداری بر افزایش میزان رضایت از درآمد دارد.

نتیجه گیری و پیشنهادها

صنایع کوچک روستایی از بخش‌های مهم اقتصاد ایران است که قابلیت بالایی در رفع مشکل بیکاری و توزیع عادلانه درآمد دارد.

در این نوشتار با بهره‌گیری از روش‌های مختلف اثر صنایع روستایی بر همگن‌سازی درآمد در نواحی روستایی سنجش شده است. بررسی‌ها نشان داد که صنایع روستایی با ایجاد فرصت‌های شغلی، در ایجاد درآمد برای اقشار کم‌درآمد روستایی تأثیر گذارند.

مقایسه ابعاد گوناگون درآمد شاغلان صنعتی و غیرصنعتی در روستاهای نمونه حکایت از توزیع مطلوب‌تر درآمد و کاهش فاصله طبقاتی در بین شاغلان صنعتی دارد. سطح رضایت‌مندی از درآمد نیز شاخصی مؤثر برای شناسایی تأثیر صنایع روستایی بر توزیع درآمد است، لذا رضایت‌مندی شاغلان واحدهای صنعتی نه تنها نسبت به گذشته، بلکه نسبت به شاغلان غیر صنعتی نیز از سطح بالاتری برخوردار است.

با توجه به این که بیش از ۷۲/۹ درصد از فعالان بخش صنعت روستایی محدوده مورد مطالعه در سنین بین ۲۱ تا ۴۲ سال هستند، صنایع روستایی با جذب نیروی کار مازاد و نیز گروه‌های کم درآمد و فقیر روستایی باعث ایجاد فرصت‌های شغلی و افزایش درآمد و همگنی درآمد در سطح جامعه روستایی شده است و گامی مفید برای بهبود توزیع درآمدهای روستایی بوده است. از آن جایی که هدف جریان‌های توسعه، توانمندسازی فقرا و گروه‌های محروم و در کل حل ریشه‌ای مسأله فقر، از طریق زمینه سازی برای توزیع عادلانه درآمد (و نه فقط تولید درآمد) است، لذا صنایع روستایی از طریق ایجاد اشتغال پایدار در کاهش شکاف درآمدی موجود در نواحی روستایی نقش مؤثر و مفیدی دارد، که سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان باید بیش از پیش به آن توجه کنند.

توجه به مشارکت روستاییان در زمینه سرمایه‌گذاری در واحدهای صنعتی ضروری است تا در سایه آن توسعه پایدار و همه جانبه روستایی حاصل شود. با گسترش سازمان‌های خودیاری (خودگردان و خوداتکا) ویژه محرومان روستایی می‌توان بر

بسیاری از مشکلات، به خصوص ضعف بنیه مالی روستاییان، در راه توسعه روستایی فایق آمد (مونکنز، ۱۳۷۴: ۹).

راهکار مناسب برای توسعه صنایع کوچک روستایی، مشارکت خود روستاییان در زمینه سرمایه گذاری با تاسیس شرکت های تعاونی یا قرض الحسنه های روستایی است، زیرا از این طریق می توانند سرمایه لازم برای مشارکت را فراهم آورند

یادداشت ها

1. Gini coefficient
2. Lorenz curve
3. Levene's test
4. Wilcoxon test
5. Pearson Chi-square
6. Kendall's tau-b

منابع

- بنی فاطمه، حسین (۱۳۷۶)، «بیکاری و مهاجرت». *رشد آموزش جغرافیا*. شماره ۱۳.
- طاهرخانی، مهدی (۱۳۷۹)، *صنعتی شدن روستا، سنگ بنای راهبرد آینده توسعه روستایی*. تهران: وزارت جهاد کشاورزی، اداره کل طرح های صنعتی.
- طاهرخانی، مهدی (۱۳۸۰)، «نقش نواحی صنعتی در توسعه مناطق روستایی؛ مطالعه موردی: نواحی صنعتی روستایی استان مرکزی». *پژوهش های جغرافیایی*. شماره ۴.
- عمیدی، علی (۱۳۸۱)، *نظریه نمونه گیری و کاربردهای آن* (جلد اول). تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- فطرس، محمدحسن (۱۳۷۵)، *بررسی برخی عوامل ایجاد فقر در ایران، مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مسأله فقر و فقرزدایی* (جلد دوم). تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- گایها، آر. (۱۳۷۸)، *طراحی راهبرد کاهش فقر در نواحی روستایی*. ترجمه عبدالرسول مرتضوی، تهران: وزارت جهاد کشاورزی، مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی.
- لوکایون، ژاک و دیگران (۱۳۷۳)، *بررسی تحلیلی توزیع درآمد و توسعه اقتصادی*. ترجمه احمد اخوی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی.
- محبوب الحق، محمد (۱۳۷۰)، «بحران در استراتژی های توسعه». ترجمه سهراب ساعی، *ماهنامه نگاه نو*. شماره ۲.

- مرکز آمار ایران (۱۳۸۱)، *نام و نشان کارگاه‌های صنعتی کشور- شهرستان مشهد (لوح فشرده)*. تهران.
- مرکز بهداشت و درمان شهرستان مشهد (۱۳۸۴)، *گزارش جمعیتی خانه‌های بهداشت بخش مرکزی شهرستان مشهد*. مشهد.
- مونکنز. هانس اچ. و همکاران (۱۳۷۴)، *راهنمایی برای گسترش سازمان‌های خودیاری ویژه محرومان روستایی*. تهران: وزارت جهاد سازندگی.

- Chambers, R. (1997), *Whose Reality Counts? Putting the First Last*. London: Intermediate Technology publications.
- Farbman, R. (1975), *Sectoral Employment and Income Distribution in India*. New Delhi: ARTEP.
- Harrington, L. (1995), "Sustainability in perspective: strengths and limitations of farming systems research in contributing to a sustainable agriculture". *Journal of Sustainable Agriculture*. vol. 5, no 1.
- Lanjouw, P. (1997), *Rural Non-Agricultural Employment and Poverty in Latin America: Evidence from Ecuador and El Salvador*. Washington DC: World Bank.
- Lee, D. (2001), *Diversification of the Rural Economy: A Case Study on Rural Industrialization in the Republic of Korea*. Japan Program/ INDES 2001 Conference, Japan.
- Lele, S. (1991), "Sustainable development: a critical review". *World Development*. vol. 19, no 6.
- Samuelson, P. and Nordhaus, W. (2001), *Microeconomics*. McGraw-Hill.
- Sing, S. (1993), "Some aspects of rural non-farm sector development in developing countries". *The Indian Journal of Labour Economics*. vol. 36, no. 30.
- Skinner, N. M.; Alun, E. J. and Kuhn, R.G. (2003), "Social and environmental regulation in rural china". *Geoforum*. vol. 34. no.2.